

کتابهای تکیه ماننده منامه نظر داشتیم بطایع برسانتم نوشته بودم و ضمناً بفرماید بسیار بزرگ و نکات بسی سودمند اشاره هم کرده و دلایل تاریخی و ذوقی که با فهم همگان مناسب است و هرگز در آنها خدشه در سند و دلالت آنرو ایاتیکه مدرک و معتمد علیه آن محدثین نام برده بود اشاره نموده ایم چه که ذکر همه آنرو ایات و تعرض بضعف سند و باسستی دلالت آنها دقت بسیار میخواست و دامنه وسیع داشت و علاوه بیرون از فهم عموم بوده و نظر ما این بود بطوری بنویسیم که خور فهم همگان باشد و رفع شبهه از نورسان شود فقط آنشواهد و دلایلی را که بطور اطمینان باقطع بمرام عالی ما دلالت مینمود و مناسب فهم همه بود برقم آورده بودیم .

اینک همه آنها را برای استفاده عموم و رفع شبهه از ساده لوحان جمع نموده بطرز یک کتاب بچاپ رسانیده و بنام (رهنمای حقیقت نامیدیم) امید است که اسم مطابق مسمی باشد .

نقل اقوال بزرگان در خصوص عدم تحریف قرآن گمان بی جا و اشتباه بی منشاء

بعضی ها تصور کرده اند که علماء شیعه متفقاً معتقد میباشند که از قرآن مجید برخی از آیات کم شده یا تحریفی و تغییری بوجود پیوسته و منشاء این پندار بی اطلاعاتی از اقوال بزرگان شیعه است .

و ما اولاً اقوال دانشمندان و معتقدات آنها در این جزوه برقم می آوریم و پس از آن در ضمن جزوات آینده از روی دلایل واضح فساد این عقیده را (که از آیات قرآن کم شده) روشن مینمائیم .

محمد بن الحسن الطوسی شیخ الطائفه اعلی الله مقامه میفرماید

اما کلام در زیاده و نقصان قرآن از آنچهها است که لایق و سزاوار قرآن
 نمی باشد زیرا که اجماع و اتفاق است که زیادت واقع نگشته و اما نقصان ظاهر
 از مذهب مسلمین آنکه آنهم نشده و مناسب و سزاوار بمذهب ما آنست که نقصان
 واقع نگشته محمد بن علی الحسین بن بابویه (صدوق) اعلی الله مقامه در اعتقادات
 خرد میگوید اعتقاد ما آنست قرآن همان است که در دست مردم است از این
 زیاده نبوده هر که بمغیر این رانسبت بدهد که ماقابل هستیم که قرآن زیاده
 از این بوده دروغ بما گفته است (وسید مرتضی علم الهدی اعلی الله مقامه) نصرت باین
 عقیده نموده . و این ظاهر است از روایات غیر از آنکه روایات بسیار از اهل سنت
 و شیعه روایت کرده اند که بسیاری از آیات قرآن کم شده و یا از جایی بجائی نقل
 گردیده و در ترتیب آنها تغییر داده شده ، ولی این روایات اخبار آحاد است و
 موجب علم نیست سزاوار آنکه از آنها اعراض بنمائیم و بآنها اشتغال نورزیم چه که
 ممکن است تاویل آنها و اگر آنها صحیح باشد طمن و قدح در آنچه میان دو
 جلد و فعلا در دست ما است نمی باشد .

زیرا که صحت این معلوم واحدی از امت اعتراضی بآن ننموده و ایرادی
 بآن نکرده و روایات ما یکدیگر را مؤید و در همه آنها تحریر بصقرائت همین ، و
 تمسک بآن گردیده و اخباری که از ائمه هدی (ع) رسیده که در موقع اختلاف
 احادیث را در فروع باین قرآن عرض بنمائیم و همین قرآن را میزان زد و قبول احادیث
 بهمناسبت ، هر چه موافق آن شد عمل کنیم و هر چه مخالف شد عمل ننمائیم و از
 پیغمبر خدا (ص) روایتی وارد شده که ممکن نیست احدی او را قبول ننماید اینک فرموده

انی مخلف فیکم الثقلین ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل
 بیته انهم لن یفترقا حتی یردا علی الحوض) و همین روایت متفق علیها دلالت دارد
 بر اینکه این کتاب خدا در هر زمان موجود است بر اینکه جائز نیست پیغمبر امر
 فرماید ما را بچیزی که قدرت نداریم بآن، و همینکه امر فرموده ما را تمسک بآن
 بنمائیم دلالت دارد بر وجود آن در هر عصر، و در صورتیکه آنچه در دست ما موجود
 است اجماعی و انفاقی است پس سزاوار است بتفسیر و بیان معانی آن اشتغال بورزیم،
 و ماسوای او را متروک گذاریم (شیخ طوسی اعلی الله مقامه) در ضمن این
 کلمات بچند امر مهم اشاره کرده اولاً روایاتی که مخالف این مرام است دلالت
 دارد که در قرآن نقصان واقع گشته افاده علم نمی نماید، و حجت نمی باشد
 و علاوه از این قابل توجیه است و نیز هم مخالف روایات کثیره است.

ثانیاً کسی که مدعی است از آیات کم شده حرفش بی فائده است و سزاوار
 آنست که بآن اعتنا نشود (ثالثاً پیغمبر اکرم ص) میفرماید تمسک بقرآن بنمائید اگر
 این قرآن هر دست همه در همه اعصار نبود چه طور آنبزرگوار امر میفرمود که
 مردم بآن تمسک بنمایند

«بی مناسبت نیست اینکه شاهد مسلمی که قرآن در زمان پیغمبر محفوظ
 و در دست مردم بود ذکر شود» همه علماء اسلام معتقدند که پیغمبر اکرم (ص) در
 هنگام بیماریش قلم و دوات خواست که چیزی نوشته گردد که رفع اختلاف از امت
 اسلامیه بعد از آنبزرگوار شود یکی از حاضرین مانع از آوردن قلم و دوات شده
 گفت حسینا کتاب الله یعنی کتاب خدا برای ما کفایت میکند (۱) مانعی گوئیم که

این گفتار از چندین جهت نه مناسب مقام پیغمبر (ص) و نه شایسته خود گوینده بود زیرا که او خودش میدانند و پیغمبر ولی از چندین لحاظ نمی توانیم آرا اعتقاد نماییم اول اینکه قرآن امر به نماز و زکوة و حج و غیر اینها نموده و تفصیل نداده باید کسی مبین آنها شود در زمان پیغمبر اکرم خود آنبزرگوار بود و بعد از آن هر کسی رای درست کرده و میخواست اهدای او متبع شود اگر پیغمبر خودش مبین آنها را معین فرماید رفع اختلاف میشود . پس سخن این گوینده بسیار دراز حقیقت بوده دوم آنکه قرآن فرموده که مثلا دست دزد را ببرند و بزانی حد جاری کنند و ناگفته پیداست که مقصود آن نیست که همه این حدود را جاری بنمایند چه که این موجب حرج و مرج میباشد باید اینها در سایه رئیس مسلمین بوقوع میرسد و اگر آن رئیس را پیغمبر معین فرماید اختلاف برداشته میشود و الا فلا

سیم آنکه قرآن فرموده که مسلمانان از جهاد قصور نورزند آیا این در سایه کی خواهد شد؟ بدیهی است که جهاد بی ترتیب و بی رئیس معنی ندارد همچنین اگر این رئیس را پیغمبر (ص) معین میفرمود اختلاف برداشته میشود.

ولی حالیه مابراکاری با اینها نداریم نمی خواهیم جسارت بگوینده این سخن بنمائیم و برادران ما اهل سنت از ما رنجیده بشوند هر چه بوده گذشته (رینسا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان) و آنچه فعلا شاهد مرام ما است اینکه اگر در دست مردم کتاب موجود نبوده چه طور ممکن بود که بگوید برای ما کافی است کتاب الهی یعنی نوشته دیگر لازم نیست کتاب الهی برای رفع اختلاف ما پس است و این شاهد واضح است که کتاب الهی در دست همه در آن زمان

از جمله بزرگان و اعلام شیعه سید مرتضی علم الهدی است که میفرماید در جواب مسائل طرابلسیات علم بدرستی از آنچه از قرآن بدست ما رسیده . نظیر علم بوجود شهرستانها و حوادث بزرگ و وقایع عظیمه و کتابهای مشهور و اشعار عرب میباشد بدرستی که مسلمانان عنایت داشتند و دواعی بسیار مقتضی بوده که قرآن را حفظ نمایند و نقل بکنند باندازه ای که در هیچ يك از آنچه گفتیم اینقدر مقتضیات نبود زیرا که قرآن معجزه بیغمبری بوده و مدرك و مأخذ علوم شرعیه و احکام دینیه بوده و علماء مسلمانان در نهایت مرتبه بحفظ و حمایت آن اهمیت داده اند حتی اینکه شناخته و معرفت پیدا کرده اند بآنچه اختلاف در آن واقع شده از اعراب ، قرائت ، و حروف و آیات پس چه طور با این عنایت صادق و ضبط شدید تغییر داده میشود آیا ممکن میباشد که ناقص بنمایند و نیز میفرمایند علم بخود قرآن و به اجزاء و ابعاض آن در درستی نقل مثل علم است بجمله و تمامی آن و نظیر آن است که بالبداهه معلوم شده از کتابهای تصنیف شده مثل کتاب سیبویه و مازنی

کسانیکه عنایت دارند باین علم تمامی آنچه از تفصیل آن کتاب میباشد میشناسند حتی اینکه اگر کسی در کتاب سیبویه بانی از نحو داخل کند که در آن نباشد میشناسند و می فهمند که آن از کتاب سیبویه نیست و همچنین است کتاب مازنی و معلوم است که عنایت بنقل قرآن و ضبط آن راست تر است از عنایت بکتاب سیبویه و دیوانهای شعراء .

و نیز فرمود که قرآن در زمان پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع شده بود و تالیف داده شده بود مثل اینکه حالاً هست و استدلال نموده با اینکه قرآن در

زمان آنبزرگوار درس خوانده میشد و حفظ میکردند حتی اینکه جماعتی از صحابه پیغمبر معین شده بودند بحفظ قرآن و دیگر آنکه بحضور پیغمبر ۳ نشان میدادند و در محضرش میخواندند و دیگر آنکه جماعتی از اصحاب آنحضرت مثل عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و دیگران چند مرتبه در حضورش قرآن را ختم نموده بودند همه آنها باندك تأمل دلالت مینمایند که قرآن مجموع و مرتب در زمان پیغمبر ۳ بوده و متفرق و پاشیده نبود و نیز میگویند هر که مخالف این است از امامیه و حشویه بخلافشان اعتنائی نمیشود چه خلاف در اینخصوص منسوب است باصحاب حدیث که اخبار ضعیفه نقل نموده اند و گمان کرده اند که آنها صحیح است نمی شود بمثل آن اخبار مراجعه شود و از امور معلومه و مقطوعه بواسطه آن اخبار دست برداشته گردد (انتهی ملخص ترجمه منقول از کلماتشان) طبرسی اعلی الله مقامه در مجمع البیان گفته اما زیادت در قرآن اجماعی است که نشده اما نقصان جماعتی از اصحاب و قومی از حشویه عامه روایت کرده اند که در قرآن تغییر و نقصانی شده و صحیح از مذهب اصحاب ما خلاف آنست و حضرت آیه الله علین آراگاه آقا شیخ جواد بلاغی قدس الله سره در کتاب آلاء الرحمن تقویت این قول نموده و گفته که بزرگان شیعه بصحت و محفوظیت قرآن از نقصان معتقدند

و حضرت فخر الاسلام مبین الحلال و الحرام حاج شیخ محمد نهاوندی دامت تائیداته (در کتاب نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن) بحقیقت معتقد این بزرگان دلائل عقلی، و تاریخی، و حدیثی اقامه نموده، و از روی برامین محکمه قائل شده اند بر اینکه قرآن در زمان خود پیغمبر اکرم (صالی الله علیه و آله) محفوظ و مجموع بوده و این قرآنیکه در دست ما است همان قرآنی است که برسول خدا

نازل گشته و بدون تحریف و تغییر و نقصان و زیاده فعلاً موجود است و حضرت آیه الله آقای حاج شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء دامت برکاته در اصول الشیعه بهمین معنی اعتقاد قطعی دارد و در نظر ما همین معنی با دقت و تحقیق توافق دارد زیرا که محسناً می بینیم اگر پادشاهی نظرش را بر این کماورد که يك کتاب را بنویسند یا بر کنند هزاران اشخاص محض تقرب بحضور و خوش آیندی او همین مراسم انجام میسرسانند و محض برای افتخار و سر بلندی مقصود او را بجا می آورند تا چه رسد يك شاهنشاهی که هم سلطنت جسمانی و هم سلطنت روحانی داشت با اندازه جذب ارواح نموده بود که هزارها افتخار داشتند که سرهای خود را فدای قدمهای او بنمایند و او امر مقدسه اش را از جان و دل بپذیرند ابوسفیان در موقع فتح مکه گفت من ندیدم جلالتی در یکی از پادشاهان روی زمین مثل جلالت محمد (ص) در میان اصحاب خود من کسری، و قیصر را دیدم در هیچ يك آنها آن احترامی و موقعیتی که در میان یاران محمد (ص) دیدم در آنها بنظر من نرسید محمد که وضوء میگیرد اصحاب او سبقت میکنند که آب وضویش بر رویهای خود بمالند و نگذارند که بزمین ریخته شود خلاصه اگر کسی حالات تاریخیه یاران و فداکاران آن بزرگوار را ملاحظه نماید مات و مبهوت در خلوص و صفاء و ابهت و جلالت آن حضرت در نزد آنان میماند و شرح هزار يك آنها در این جزوات گنجینه نمی شود و اگر يك يك آنها شرح داده شود مننوی هفتاد من کاغذ شود و این هم واضح است که قرآن در نزد خدا و رسول چقدر دارای اهمیت برای هدایت مردم و سعادت هر دو جهان بود و پیغمبر اکرم (ص) تا کید میفرمودند که سوره های آنرا حفظ کنند و برای حفظ و خواندن آنها چه قدر نوابها و پادشاهای دنیوی و اخروی وعده میفرمود

سوا هر مینمود که شب و روز بخوانند و در نمازها بخوانند و ب مردم یاد بدهند و در ماه مبارک رمضان بختم چندین مرتبه اقلایک مرتبه مواظبت نمایند بآن نفوذ جسمانی و روحانی ببعمبر خدا (ص) و باین اهمیت ها و تاکیدات کامله آیاممکن نیست که هزاران نفوس قرآن را حافظ نباشند؟؟ آیاممکن است که آیاتی که نازل میشود نسخهها بسیار از آنها بر ندارند؟؟ کسیکه این مراتب را انکار میکند بیاید بگوید (العیاذ بالله) رسول خدا در انظار مسلمانان چندان واقعی و نفوذی نداشت بیاینکه بگوید قرآن در نظر پیغمبر اکرم (ص) (نعوذ بالله) چندان مهم نبود و پیغمبر قرآن را برای هدایت بشر و شفاء قلوب و نور ابصار و سعادت دنیا و عقبی نیاورده و ناگفته پیدا است در صورتیکه در زمان رسول خدا (ص) هزاران نفوس قرآن را حفظ نموده و در اطراف عالم منتشر شده و نسخهها از آن برداشته باشند بسی دشوار است کم کردن از آن و بسیار مشکل است تغییر و تبدیل آن و اینمطلب در جزوات آینده زیاده از این توضیح داده خواهد شد (انشاءالله)

شبیه بسی اساس

گاهی پاره مبلغین مسیحی از روی غرض، یابی اطلاعاتی از حقایق بخورد کوتاه نظران میدهند: اگر بنا بر این باشد که در تورا، و انجیل فعلی تحریفی و تغییری صورت پذیرفته و تورا حاضر بعینها تورا آسمانی نبوده، و انجیل فعلی همان انجیل ربانی نباشد، همین اشکال بقرآن وارد خواهد شد: چه که هر سه کتاب الهی و از زمان نزول آنها تا کنون هزاران نفوس بشری بحقیقت آنها معتقد و بدرس و بحث و عمل بمضامین آنها مواظبت دارند، و در هر دوره و طبقه از هزاران مردم که عده و عدد ایشان فوق حد توأثر است دست بدست رسیده تا بمردمان